

باورهای دینی و تغییر ارزش‌های خانواده دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران

امین ورزی کناری^۱
ابوالقاسم حیدرآبادی^۲
منوچهر پهلوان^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

چکیده

دینداری و باورهای دینی می‌تواند باعث تغییراتی در زمینه‌های مختلف از جمله ارزش‌های مادی و غیرمادی خانواده گردد. هرچند که عواملی مانند فرآیند نوسازی فرهنگی نیز تغییراتی را در حوزه باورهای دینی جوامع به‌وجود آورده که منجر به تغییر و دگرگونی در ارزش‌های خانوادگی شده است. این مقاله با هدف تأثیر باورهای دینی بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه اطلاعات جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین باورهای دینی و همچنین شاخص تغییرات ارزش‌های خانواده بیش از حد متوسط است و بیانگر نگرش‌های تقریباً مدرن در حوزه ارزش‌های خانوادگی در بین دانش‌آموزان است. بین میزان باورهای دینی و ارزش‌های خانواده رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه باورهای دینی بیشتر شود، میزان تغییر ارزش‌های خانواده افزایش می‌یابد و برعکس هر چه باورهای دینی کم‌تر شود، میزان تغییر ارزش‌های خانواده کاهش می‌یابد. همچنین می‌توان شاهد وجود رابطه مثبت و مستقیم بین باورهای دینی شامل ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و بعد پیامدی با ارزش‌های مادی و ارزش‌های غیرمادی خانواده بود. همبستگی بعد پیامدی بالاتر و بعد تجربی پایین‌تر از سایر ابعاد باورهای دینی است. نتیجه می‌توان گرفت که هرچند باورهای دینی بر تغییر ارزش‌های خانواده دانش‌آموزان اثرگذار است اما این باورها نیز می‌تواند متأثر از عوامل دیگر مانند رسانه‌ها و فرآیند نوسازی باشد.

واژگان کلیدی: باورهای دینی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های غیرمادی، تغییر ارزش‌ها.

۱- دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول).
Ashahin2000@yahoo.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

مقدمه

خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و از آغاز پیدایی خود، هم‌چون حریمی امن، زندگی انسان را در بر می‌گیرد و موج تازه‌ای در درون شبکه خویشاوندی ایجاد می‌کند. این موج جدید شمار زیادتری از خویشاوندان را به هم پیوند می‌دهد. انسان در خانواده فرآیند جامعه‌پذیری مجموعه‌ای از «بایدها و نبایدها» را آموخته و نقش‌هایی را نیز در ارتباط با دیگران فرا می‌گیرد. توجه به ارزش‌ها به‌ویژه ارزش‌های اجتماعی در خانواده دارای اهمیت است. ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آن‌ها می‌توان جامعه را به زوال یا به تعالی کشاند (کفاشی، ۱۳۸۷: ۵۹). نظام خانوادگی و ارزش‌های آن در زمره‌ی مفاهیمی است که از دل تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی برخاسته است. تعامل میان فردی به بعد مهمی از فعالیت‌های اجتماعی تبدیل شده است، و تأثیرات آن‌ها بر زندگی اجتماعی اشخاص رو به فزونی است. اکثر جامعه‌شناسان حوزه تغییرات اجتماعی بر این باورند که با قاطعیت می‌توان گفت که در هیچ مقطع تاریخی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در درون جوامع به سرعتی که امروزه در حال تغییر است، دچار دگرگونی نبوده است. به موازات دگرگونی‌های وسیع محیطی و ساختاری، نظام ارزشی جوامع نیز به آن واکنش نشان می‌دهد و دچار دگرگونی می‌شود (پهلوان، ۱۳۸۹: ۳۳). این مسأله به‌خصوص برای جوامعی که فرایندهای مدرنیزاسیون و از جمله نوسازی فرهنگی را به‌طور وارداتی و از بالا به پایین تجربه کرده‌اند، مشهودتر است چرا که با سرعتی که تغییرات محیطی و ساختاری دارند، نظام‌های ارزشی سنتی و جدید فرصت پیدا می‌کنند در تقابل و تعارض با یکدیگر قرار گیرند (روستایی، ۱۳۸۵: ۸). توجه به ارزش‌ها به‌ویژه ارزش‌های اجتماعی در خانواده دارای اهمیت است. بنابراین آینده خانواده، دوام و یا فروپاشی ارزش‌های آن، همواره از مهمترین دل مشغولی‌های جامعه‌شناسان بوده است.

از نظر برگر و لاکمن دینداری به‌عنوان نمود بیرونی اعتقاد و پایبندی دینی از اساسی‌ترین چارچوب‌های ارزشی و هنجاری جامعه است و متأثر از آن خانواده از طریق فرایندهای مشروع‌سازی، عینیت بخشیدن و نهادمند کردن ارزش‌ها و هنجارها، جامعه سالم را با تمام عناصر سازنده‌اش بازتولید می‌کند (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵). از نظر روکیج ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است، که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص با یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد. در محیط خانواده فرزندان ارزش‌ها را می‌آموزند و با کسب تجربه با دنیای بیرون از خانواده رابطه برقرار می‌کنند. با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی به خانه‌ها، ارزش‌های اجتماعی خانواده‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و تغییراتی در رفتار نسل جوان به‌وجود آمده است (اسلوین، ۱۳۸۰: ۸۰). در خلال چند دهه اخیر نهاد خانواده و نظام خویشاوندی در ایران تغییر و تحولات ژرفی را تجربه کرده است؛ این تغییرات عمدتاً متأثر

از ورود، فرآیند و پیامدهای عناصر نوسازی بوده‌اند (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳). در فرآیند مدرنیزاسیون که موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی و غیره می‌گردد، افراد به سمت مادی‌گرایی و در نهایت تغییر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی پیش می‌روند. طبیعتاً خانواده نیز به‌عنوان ساختاری در جامعه، تحت تأثیر این تغییرات قرار داشته است و در جریان این تحولات، ساختار، کارکرد و ارزش‌های حاکم بر آن دچار تحولات چشمگیری گشته است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). با توجه به تحولات سریع اطلاعات و تکنولوژی که تحولات سریع فرهنگی را نیز به همراه داشت، مسأله ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای تفکر و عمل هم از حیث منشأ و منبع و هم از حیث انتقال و تداوم دچار تحولاتی شده است. نتایج برخی از تحقیقات در جامعه ایران حاکی از تغییر ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های ایرانیان است (قیطاسی و همکاران، ۱۴۰۰، محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸؛ آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹، زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳؛ قنبریان برزیان و درویشی، ۱۳۹۵ و حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۵). در خلال چند دهه گذشته ساختار و کارکردهای نهاد خانواده با تغییر و تحولاتی وسیع همراه بوده است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴). در این میان یکی از حوزه‌هایی که به شدت تحت تأثیر تغییرات نگرشی و ارزشی قرار گرفته است، ارزش‌های پیرامون نهاد خانواده و در ابعاد ارزش‌های مادی و غیرمادی است. شواهد موجود حاکی از آن است که برخی روندها و پدیده‌هایی که در دهه‌های گذشته منجر به تحول و دگرگونی خانواده در جوامع غربی شده‌اند، امروزه، به درجات مختلف، در خانواده‌ی ایرانی بروز و ظهور یافته‌اند (جمشیدبها و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴). طی سال‌های گذشته به موازات تغییرات اقتصادی و سیاسی که در جامعه ما روی داده، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. این هنجارها که به آرامی جای خود را در میان باورها و اعتقادات مردم باز می‌کنند، ممکن است با باورهای گذشته همخوانی چندانی نداشته باشند و حتی در تعارض با آن‌ها قرار گیرند. در شهرهای استان مازندران و در بین دانش‌آموزان نیز عواملی چون مدرنیزاسیون و نوسازی فرهنگی زمینه را برای تغییر در ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های خانوادگی ایجاد کرده‌اند. با پدید آمدن این بسترهای جدید در جامعه در اثر فرایند نوسازی، گونه‌های جدید از ارزش‌های خانوادگی به تبع این فرایندها شکل گرفته است و یا در حال شکل‌گیری در لایه‌های زیرین جامعه می‌باشد. بنابراین محقق بر آن است تا نقش نوسازی فرهنگی بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران را به‌صورت علمی و سیستماتیک بررسی نماید.

تحقیقات مختلفی در زمینه نقش باورهای دینی و تغییرات آن بر ارزش‌ها و خانواده در ایران و خارج از ایران صورت گرفته است. در ایران نیز مطالعات متعددی در حوزه باورهای دینی، مدرنیزاسیون و خانواده صورت گرفته است. قنبریان برزیان و درویشی (۱۳۹۵)، زاهدی و نازک‌تبار (۱۳۹۳)، رحمانی و

همکاران (۱۳۹۴)، محمدپور (۱۳۸۰)، آزاد ارمکی و ظهیری نیا (۱۳۸۹)، مدیری و مهدوی (۱۳۹۶)، تقوی و اصلانی (۱۳۹۴)، زین‌آبادی (۱۳۸۵)، جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۱)، کوهی و همکاران (۱۳۹۲)، امینی (۱۳۹۵)، جاگوزینسکی (۱۹۹۶)، بارخوس و تاشیرو (۲۰۱۰)، والک و همکاران (۲۰۱۰)، لایی و تورنتون (۲۰۱۵)، هیماون و همکاران (۲۰۱۷) و زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی نقش نوسازی بر خانواده و ارزش‌های آن پرداخته و نشان می‌دهند که روند باورهای دینی و دینداری می‌تواند بر تغییر ارزش‌های خانوادگی اثرگذار باشد.

قیطاسی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که بین صمیمیت، فضای تعاملی شبکه‌های اجتماعی، عضویت کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی، محتوای شبکه‌های اجتماعی، موقعیت اجتماعی اقتصادی، گمنامی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان، رابطه معنادار وجود دارد. این متغیرها حدود ۳۸/۲ درصد از تغییرات ارزش‌های خانوادگی را تبیین می‌کنند. ورزی کناری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران» نشان می‌دهد میانگین نوسازی فرهنگی و تغییرات ارزش‌های خانواده بیش از حد متوسط است و بیانگر نگرش‌های تقریباً مدرن در حوزه ارزش‌های خانوادگی است. بین نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. هرچه نوسازی فرهنگی بیشتر شود، میزان تغییر ارزش‌های خانواده افزایش می‌یابد. همچنین رابطه مثبت بین مؤلفه‌های نوسازی فرهنگی با ارزش‌های مادی و ارزش‌های غیرمادی خانواده وجود دارد. پس توسعه و مدرنیزاسیون می‌تواند ارزش‌های دانش‌آموزان استان مازندران را تغییر دهد و بایستی در راستای صنعتی شدن، توسعه و نوسازی اجتماعی و فرهنگی، به دنبال تغییر در ارزش‌های جامعه متناسب با فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی بود.

مدیری و مهدوی (۱۳۹۶) نشان دادند ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن به طور یکسان متأثر از دینداری نیست. در هر سه نسل ارزش‌های خانوادگی سنتی متأثر از دینداری بوده، در حالی که تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی مدرن در هر سه نسل معکوس و ضعیف‌تر بوده، به لحاظ نسلی روند کاهشی داشته و در نسل سوم تأثیر معناداری مشاهده نمی‌شود. به طور کلی می‌توان گفت یافته‌های تحقیق آمیزه‌ای از سه تئوری پابرجایی دین بر ارکان مختلف زندگی اجتماعی، تئوری تمایز و تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها را تأیید می‌کند. حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده در بین جوانان نهبوند پرداخته‌اند. طی چند دهه اخیر، نهاد خانواده متأثر از ورود، فرایند و پیامدهای نوسازی تغییر و تحولات ژرفی را در دو سطح عینی - ساختاری و ذهنی معنایی تجربه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که سه مؤلفه نوسازی فرهنگی یعنی، ریسک‌پذیری، بازاندهی، کمرنگ‌شدن باورهای مذهبی بر افول اشکال خانواده و پیدایش شکل مدرن آن مؤثر بوده است. بعد ریسک‌پذیری بیشترین میانگین را (۳/۳۸) داراست و کمرنگ‌شدن

باورهای مذهبی با مقدار ۳/۰۲ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد. و در کل میانگین فرایند نوسازی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه ۳/۲۵ بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که نوسازی و مؤلفه‌های آن در مجموع ۲۵ درصد واریانس تحولات ارزشی خانواده را تبیین می‌کند.

زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده» معتقدند که سرمایه درونی بیشترین تأثیر را بر ارزش‌های حوزه خانواده به‌ویژه ارزش‌های مدرن در سطح معناداری داشته است، به این معنی که با افزایش سرمایه درونی خانواده ارزش‌های مدرن خانواده بیشتر شده و ارزش‌های سنتی نیز کاهش یافته است. از میان متغیرهای اثرگذار بر ارزش‌های مدرن خانواده، جهت‌گیری عام‌گرایی اثرات مثبت و معناداری بر ارزش‌های خانوادگی داشت و اثرگذاری سرمایه بیرونی هم بر ارزش‌های مدرن خانواده مثبت و معنادار است. نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی هستند و ارزش‌های مدرن نیز آرام آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری هستند. پوریانی (۱۳۸۷) نشان داد که در صورت تطابق و سازگاری و همزیستی بین ارزش‌های دینی و ارزش‌های اجتماعی، زمینه هم‌گرایی و هم‌نوایی به‌وجود می‌آید و فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به نحو مطلوب انجام می‌گیرد. در صورت عدم تطابق بین این دو میزان آسیب‌ها، جرائم، مسایل اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد و جامعه به طرف واگرایی می‌رود.

در خصوص رابطه ارزش‌های دینی و ارزش‌های خانواده نیز دیدگاه‌های چندی مطرح شده است. آلپر یکی از کارکردهای دین از نظر دورکیم را نقش آن در پایداری هنجارها و ارزش‌ها عنوان می‌کند (کوزر، ۱۳۷۷). از نظر بروان (۱۹۹۷) نیز در اکثر جوامع ضمانت‌های قانونی رسمی، منبع اولیه کنترل اجتماعی نیستند، بلکه شعایر دینی در جهت حفظ ساختار اعتقادی، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند. برای بروان نیاز برای انسجام اجتماعی و ثبات، نیروی راهبرنده در پشت اکثر نهادها از جمله نهاد دین است (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۳).

در زمینه دین و ارزش‌های اجتماعی و از جمله ارزش‌های خانوادگی سه رویکرد اساسی به‌چشم می‌خورد. یکی از رویکردها نشان می‌دهد تأثیر دین بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همانند جوامع سنتی بر تمام ابعاد زندگی جاری و برقرار است. در رویکرد دوم به تئوری تمایز اشاره شده و معتقد است که امروزه دین به‌عنوان یکی از حوزه‌های نهادی در زندگی با حوزه‌های دیگر اجتماعی رقابت می‌کند و دین بخش قابل توجهی از جذابیت خود را در تعداد زیادی از مردم جهان غرب از دست داده است و در رویکرد سوم چندپاره‌گی دینی مدنظر است. به این معنا که تأثیر مذهب بر تمام حوزه‌ها یکسان نبوده و عرصه‌های خصوصی را بیش از عرصه‌های عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از تئوری‌های مهمی که در زمینه دگرگونی ارزش‌ها مطرح گردید، تئوری «دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت» می‌باشد. اینگلهارت برای سنجش ارزش‌های شهروندان اروپایی ارزش‌ها را به دو

دسته مادی و فرامادی تقسیم می‌کند. ارزش‌های مادی مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد هستند و مستقیماً با حیات طبیعی فرد در ارتباط هستند و در مقابل ارزش‌های فرامادی در جهت ارضای نیازهای فرازیستی انسان می‌باشند. نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. این دگرگونی می‌گوید؛ جایگزینی نسلی تنها عامل تغییر ارزشی نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم دیگری نیز مطرح می‌باشد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۶۵). به اعتقاد اینگلهارت اشخاصی که از سطح نسبتاً بالای امنیت برخوردارند، مانند فرامادیون، انحراف از الگوهای خانوادگی را آسان‌تر از اشخاصی که درباره نیازهای طبیعی پایه، احساس اضطراب دارند می‌پذیرند در نتیجه انتظار داریم که فرامادیون دگرگونی فرهنگی را بیشتر از دیگران بپذیرند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۲).

اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسان‌های این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. او طی مطالعات گسترده خود نشان می‌دهد که دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید حاکی از تحول فرهنگی است که نسبت به نسل قدیم رخ داده به اعتقاد اینگلهارت دگرگونی فرهنگی زمانی روی می‌دهد که دگرگونی‌هایی در محیط اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و یا اجتماعی روی دهد. البته این دگرگونی‌ها به آرامی و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۲). وی معتقد است که اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییرات ارزش‌ها شده است به طوری که در عصر کنونی، جهانی‌شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر نداشته است. در مجموع نظریه تغییر نگرشی و ارزشی اینگلهارت دارای دو فرضیه پیش‌بینی کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند. ۱- فرضیه کمیابی: که بر اساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش را برای چیزهایی قائل است که عرضه آن‌ها کم است. با توجه به این نظریه می‌توان گفت که فرد بر حسب محدودیت‌ها و اقتضای بافت اجتماعی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کند نوع استفاده‌اش از شبکه‌های اجتماعی اینترنت نیز شکل می‌گیرد. ۲- فرضیه جامعه‌پذیری: این اصل مبتنی بر این قضیه است که ارزش‌های اساسی فرد، به شکل گسترده، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷).

از دیدگاه نیل اسملسر در یک جامعه که در معرض فرآیند نوسازی است می‌توان شاهد تغییراتی در قلمروهای سیاست، صنعت، تکنولوژی و خانواده بود. در قلمرو خانواده، واحدهای وسیع خویشاوندی گستردگی خود را از دست می‌دهند. از نظر طبقاتی تحرک اجتماعی و جغرافیایی، نظام‌های ثابت سلسله مراتب را سست می‌کند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۹۲). به نظر وی در فعالیتهای خانواده فرآیند تمایز ساختی باید

ناظر بر رهایی خانواده از برخی کارکردهای سابق و تبدیل به یک کارگزاری تخصصی شده‌تر باشد و این گرایش معطوف به جدایی کارکردهای خانوادگی از کارکردهای اقتصادی است. فواید این جدایی‌ها از این قرارند: تضعیف نظارت مستقیم بزرگترها و همجواری خویشاوندی بر خانواده هسته‌ای، افزایش گزینش شخصی در ارتباط با ازدواج، ارتقای پایگاه و منزلت زنان در جامعه و افزایش فشار علیه دخالت خانواده در استخدام نیروی کار (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸).

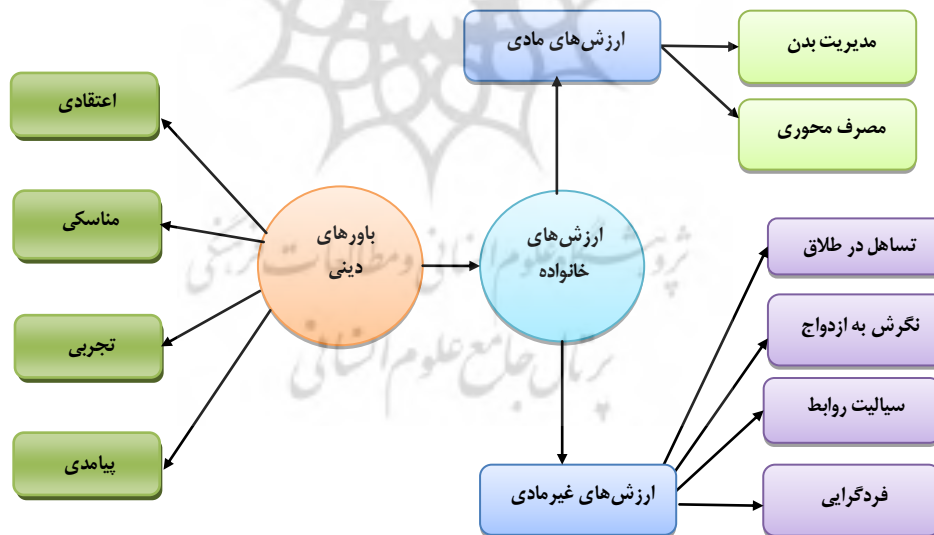
بنا به گفته میلتن روکیچ ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است، که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص با یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد. او به‌طور کلی نظام ارزشی را سازمانی از اعتقادات مرتبط با مدل‌های مورد پذیرش برای اعمال یا وجود حالت نهایی در امتداد یک سلسله از اهمیت نسبی می‌داند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۷). روکیچ ارزش‌ها را به دو گروه ارزش‌های نهایی و ارزش‌های ابزاری تقسیم کرده است و معتقد است که ارزش‌ها شیوه‌های برتر رفتار هستند و به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف مطرح می‌باشند (آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). روکیچ با تأکید بر اینکه ارزش‌های هر یک از نهادهای اجتماعی می‌توانند با یکدیگر همپوشانی داشته باشند بر رابطه ارزشی دو نهاد دین و خانواده تأکید دارد. ممکن است در این نهادها ارزش‌های معینی همپوشانی کنند و ارزش‌های مشترکی داشته باشند و در نتیجه ارزش‌های یکدیگر را تقویت کنند که نمونه آن را در دو نهاد خانواده و مذهب می‌توان دید. این نهادها به اندازه‌ای که با هم همپوشانی نداشته باشند، رقیب هم خواهند بود که نمونه آن را می‌توان در نهادهای مذهبی و نهادهای سکولار در درون جامعه دید (روکیچ، ۱۳۸۵: ۲۷).

روکیچ معتقد است که باورها، گرایش‌ها و ارزش‌ها (ابزاری یا غایی) همگی در چارچوب نظامی کلی که همان نظام باورهای فراگیر است، نظم می‌یابد و نوعی آمیختگی و ارتباط کارکردی بین عناصر یا اجزای آن وجود دارد که روشنگر اهمیت نسبی هر یک از عناصر نظام کلی باورهاست. بنابراین، ارزش‌های غایی مهمتر و مرکزی‌تر از ارزش‌های ابزاری هستند. همان‌گونه که اهمیت ارزش‌های ابزاری از گرایش‌ها بیشتر است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۸).

در واقع روکیچ بر این باور است، که ارزش‌ها به انسان‌ها آموزش داده می‌شوند و پس از یادگیری آن‌ها در درون یک نظام ارزشی سازمان می‌یابند، که هر ارزش در آن نظام براساس رابطه‌اش با ارزش‌های دیگر مرتب می‌شود. ارزش‌ها می‌توانند برای هر فرد کارکردهای مختلفی داشته باشند. آن‌ها استانداردهای رفتاری ما را شکل می‌دهند و در تصمیم‌گیری به ما کمک می‌کنند. برای مثال ارزش‌ها در بازنمایی و معرفی ما به دیگران، در مقایسه‌ای که نسبت به اعمال و اهداف مختلف داریم، تلاشی که در جهت اثرگذاری بر روی دیگران انجام می‌دهیم، در فرموله کردن نگرش‌هایمان، در ارزیابی و نکوهش دیگران و غیره به ما کمک می‌کنند. وی بروز تغییرات در نظام ارزشی افراد را ناشی از تأثیرات دو دسته

عوامل شخصیتی یا فردی و عوامل فرهنگی یا نهادهای اجتماعی می‌داند. وی اذعان می‌دارد که ارزش - ها، محصولات نیروهای نهادی و فرهنگی هستند که بر افراد تأثیر می‌گذارند. نهادهای اجتماعی گوناگون که فرد در سرتاسر زندگی خود در یک فرهنگ مشخص در معرض آن قرار می‌گیرد، نمایندگان و عاملان انتقال به‌شمار می‌روند. این نهادهای اجتماعی ممکن است یکدیگر را در ارزش‌هایی که مروج آن‌ها هستند، تقویت کنند، ولی آن‌ها ممکن است هم‌چنین در اولویت‌هایی که به ارزش‌های خاص نسبت می‌دهند، با هم به رقابت برخیزند (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۹). وی بر این باور بود، که هر فرد به‌طور نسبی ارزش - هایی دارد، که اهمیت ویژه‌ای برایش دارد. رویکرد معتقد است، که نظام باورهای کلی هر فرد به‌صورت کارکردی و سلسله‌مراتبی ساختار بندی شده است. بنابراین، اگر بخشی از یک سیستم تغییر کند، بخش - های دیگر آن نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند، و به تبع آن رفتار فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در نظریه تئوری گذار دوم جمعیتی، توجه به ارزش‌های خود تحقق بخشی اساس تغییرات در خانواده به‌شمار می‌رود و سکولاریسم، ارزش‌های خود شکوفایی، شک نمودن نسبت به نهادها و عدم اجازه افراد بیرونی به دخالت در امور شخصی از جنبه‌های تغییرات ارزشی محسوب می‌شود که سبب آزادی یافتن افراد در تصمیم‌گیری‌های شخصی‌شان در زندگی‌شان شده است (رزینا^۱ و فرابونی^۲، ۲۰۰۴: ۵).



شکل شماره (۱): مدل نظری پژوهش

1- Rosina
2- Fraboni

- با توجه به مدل مفهومی تحقیق، فرضیه‌های زیر مورد آزمون خواهند گرفت:
- ۱- بین باورهای دینی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۲- بین ابعاد باورهای دینی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

روش

یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحقیق، روش پیمایش است که در پژوهش حاضر از آن استفاده شده است. روش تحقیق پیمایشی عبارت از جمع‌آوری منظم اطلاعات درباره افراد، گروه‌ها و اجتماعات از طریق مصاحبه (حضوری) و یا پستی (غیرحضوری) برای آخذ داده‌ها به‌طور مستقیم و تعبیر و تفسیر نتایج حاصله به طریق آماری است. با توجه به برخورداری تحقیق از دو سطح نظری، روش گردآوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای است. که در آن برای گردآوری اطلاعات در سطح تجربی از تکنیک پرسشنامه نیمه ساخت‌یافته استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی و همبستگی می‌باشد و هدف آن شناخت و توصیف وضعیت موجود ارزش‌های خانواده (متغیر وابسته) و تعیین رابطه آن با مؤلفه‌های باورهای دینی (متغیر مستقل) می‌باشد. بنابراین از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش میدانی (پیمایش و مصاحبه) استفاده شده است.

جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران بوده که تعداد آن‌ها برابر با ۷۲۵۰۰ نفر است. تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. بعد از مشخص شدن نمونه آماری، برای انتخاب نمونه از جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای روش تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و برای ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته میزان ارزش‌های خانوادگی از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. به‌منظور انجام تحلیل چندمتغیری و مشخص کردن سهم هر یک از متغیرها در تبیین تغییرات متغیر وابسته، تحلیل رگرسیون چندمتغیری انجام شد. روایی پژوهش به شیوه اعتبار محتوی و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردیده است. مقدار CVR بدست آمده ۰/۹۰ می‌باشد. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ متغیر باورهای دینی ۰/۷۵ و متغیر وابسته ارزش‌های خانواده ۰/۹۲ می‌باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه‌های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می‌باشد. بنابراین مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرها در حد بالایی است و گویه‌های آن توانسته‌اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم؛

ارزش‌های خانوادگی: ارزش‌های خانوادگی مفهومی است که رسالت تداوم خانواده و به تبع آن تداوم نسل‌ها را در خود دارد و هم اوست که کیفیت و کمیت نسل فردا را رقم می‌زند. ارزش‌های خانوادگی کیفیت‌هایی است که هسته خانواده را تعریف می‌کنند و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای

خانواده را تضمین می‌کند. ارزش‌های خانوادگی، اموری بسیار مهم‌اند که موجب استحکام بنیان خانواده می‌شوند و دارای ارزش هستند (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ۴۸). ارزش‌های خانوادگی، کیفیت‌هایی که هسته‌ی خانواده را تعریف می‌کنند و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کنند؛ یعنی امور بسیار مهمی هستند که موجب استحکام بنیان خانواده می‌شوند (زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲: ۷۵). برای سنجش ارزش‌های خانوادگی و تغییرات این ارزش‌ها از مفاهیمی چون ارزش‌های مادی (مانند مصرف محوری و مدیریت بدن) و ارزش‌های غیرمادی (مانند سیالیت روابط، نگرش به ازدواج، تساهل در طلاق، فردگرایی) استفاده شده است و سوالات هر مؤلفه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده است.

باورهای دینی: دینداری یا التزام دینی نیز مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به‌طور کلی تبعیت از دستورهای دین و مجری آن‌ها بودن اشاره دارد. اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورهای دینی را پذیرفته باشند. پس دینداری عبارت است از التزام فرد به دین مورد پذیرش خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می‌زند سازمان می‌پذیرد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۰). دین‌داری در این تحقیق بر مبنای مقیاس گلاک و استارک و شامل چهار بعد اعتقادی^۱، بعد پیامدی^۲، بعد تجربی^۳ و بعد مناسکی^۴ است.

یافته‌ها

متغیر وابسته، ارزش‌های خانواده است. برای سنجش ارزش‌های خانوادگی و تغییرات این ارزش‌ها از مفاهیمی چون ارزش‌های مادی (مانند مصرف محوری و مدیریت بدن) و ارزش‌های غیرمادی (مانند سیالیت روابط، نگرش به ازدواج، تساهل در طلاق، فردگرایی) استفاده شد.

جدول شماره (۱): آماره‌های توصیفی متغیر ارزش‌های خانواده

تغییرات ارزشی خانواده	مؤلفه‌ها	میانگین	حداکثر	حداقل
ارزش‌های مادی	مصرف محوری	۳/۴۵	۵	۱
	مدیریت بدن	۳/۶۴	۵	۱
	شاخص ارزش‌های مادی	۳/۵۵	۵	۱
ارزش‌های غیرمادی	تساهل در طلاق	۳/۴۶	۵	۱
	سیالیت روابط	۳/۷۴	۵	۲
	نگرش به ازدواج	۳/۳۴	۵	۱
	فردگرایی	۳/۹۵	۵	۱
	شاخص ارزش‌های غیرمادی	۳/۶۵	۵	۱
	شاخص تغییرات ارزشی	۳/۵۹	۵	۱

- 1- Ideological
- 2- Consequential
- 3- Experimental
- 4- Ritual

باورهای دینی و تغییر ارزش‌های خانواده دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده برای تمامی مؤلفه‌ها بالاتر از ۳ بوده و به عبارت دیگر یعنی در حد متوسط رو به بالا می‌باشند. شاخص تغییرات ارزش مادی خانواده برابر با ۳/۵۵، شاخص ارزش‌های غیرمادی خانواده برابر با ۳/۶۵ و شاخص کل تغییرات ارزشی برابر با ۳/۵۹ می‌باشد. این شاخص در مجموع بیانگر نگرش‌های تقریباً مدرن به حوزه ارزش‌های خانوادگی در بین دانش‌آموزان استان مازندران است. شاخص فردگرایی بیشترین میانگین را (۳/۹۵) و شاخص نگرش به ازدواج با میانگین (۳/۳۴) کمترین میانگین را دارا است.

متغیر مستقل باورهای دینی بر اساس چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. متغیر مستقل باورهای دینی در چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. در متغیر مستقل باورهای دینی، میانگین به دست آمده در چهار مؤلفه مدنظر به غیر از بعد تجربی بیش از عدد سه بوده که نشانگر بالا بودن مقادیر هر یک از مؤلفه‌های باورهای دینی در بین دانش‌آموزان شهر استان مازندران است. بعد مناسکی بیشترین میانگین را (۳/۸۱) دارد و بعد تجربی با مقدار ۲/۸۵ دارای کمترین مقدار میانگین می‌باشد.

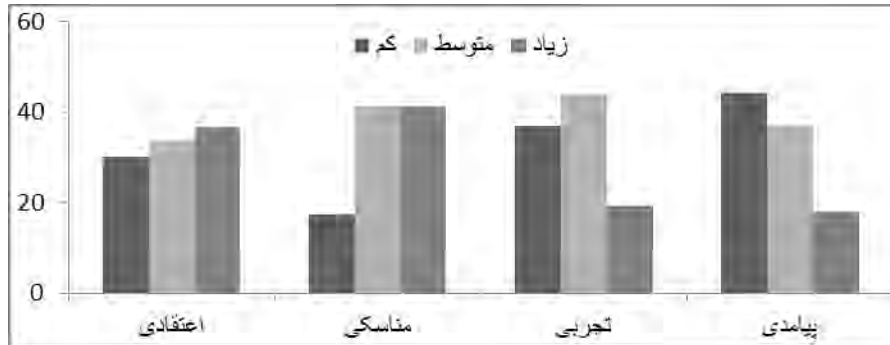
جدول شماره (۲): آماره‌های توصیفی متغیر مستقل باورهای دینی

مؤلفه‌های باورهای دینی	میانگین	حداکثر	حداقل
بعد اعتقادی	۳/۴	۵	۱
بعد مناسکی	۳/۸۱	۵	۱
بعد تجربی	۲/۸۵	۵	۱
بعد پیامدی	۳/۰۱	۵	۱
شاخص باورهای مذهبی	۳/۱۳	۵	۱

در جدول شماره ۳ توزیع افراد برحسب باورهای دینی قابل مشاهده است. میزان باورهای دینی با استفاده از چندین گویه سنجیده شد که افراد بر اساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد به آن پاسخ داده‌اند. در مجموع در بین حدود ۳۰ درصد بعد اعتقادی در حد کم می‌باشد. در بین حدود ۳۳/۵ درصد در حد متوسط و در بین حدود ۳۶/۵ درصد نیز بعد اعتقادی در حد زیاد بوده است. از بین ابعاد باورهای دینی اکثر افراد بعد مناسکی را با ۴۱/۳ درصد زیاد می‌دانند.

جدول شماره (۳): توزیع پاسخگویان برحسب میزان باورهای دینی

میزان باورهای دینی	اعتقادی		مناسکی		تجربی		پیامدی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کم	۳۰	۷۰	۱۷/۴	۱۴۷	۳۶/۸	۱۷۸	۴۴/۴	۱۲۰
متوسط	۳۳/۵	۱۶۵	۴۱/۳	۱۷۶	۴۴	۱۴۷	۳۶/۸	۱۳۴
زیاد	۳۶/۵	۱۶۵	۴۱/۳	۷۷	۱۹/۲	۷۵	۱۷/۸	۱۴۶
جمع	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰



نمودار شماره (۱): توزیع پاسخگویان بر حسب میزان باورهای دینی

برای بررسی و آزمون رابطه بین متغیر مستقل باورهای دینی با متغیر وابسته ارزش‌های خانوادگی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. فرضیه اصلی این است که بین باورهای دینی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. البته فرضیه فرعی به بررسی رابطه ابعاد چهارگانه باورهای دینی و ارزش‌های خانواده می‌پردازد. با توجه به سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای باورهای دینی و ارزش‌های خانواده، برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بررسی رابطه متغیرها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و لذا فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق پذیرفته یا تأیید می‌شود. پس بین میزان باورهای دینی و ارزش‌های خانواده آنان رابطه وجود دارد. این رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد. بدین صورت که هر چه میزان باورهای دینی در بین دانش‌آموزان بیشتر و قوی‌تر شود، میزان ارزش‌های خانواده بیشتر می‌شود و برعکس هر چه میزان باورهای دینی کمتر شود، میزان ارزش‌های خانواده در بین آنان کاهش می‌یابد. این همبستگی مستقیم و مثبت با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است.

جدول شماره ۴ نتیجه آزمون پیرسون مربوط به فرضیه را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون بین باورهای دینی و ارزش‌های خانواده برابر با $0/304$ و سطح معناداری آن صفر است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از پنج درصد است، لذا رابطه معناداری از لحاظ آماری بین دو متغیر میزان باورهای دینی و ارزش‌های خانواده وجود دارد و فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید است. در بین ابعاد چهارگانه باورهای دینی هم می‌توان شاهد رابطه و همبستگی مثبت با ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران بود.

جدول شماره (۴): ضریب همبستگی پیرسون بین باورهای دینی و ارزش‌های خانواده

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
باورهای دینی	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مستقیم و مثبت معنادار
بعد اعتقادی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مستقیم و مثبت معنادار
بعد مناسکی	۰/۲۱۳	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مستقیم و مثبت معنادار
بعد تجربی	۰/۱۱۹	۰/۰۱۷	وجود همبستگی مستقیم و مثبت معنادار
بعد پیامدی	۰/۲۶۱	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مستقیم و مثبت معنادار

باورهای دینی و تغییر ارزش‌های خانواده دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران

تحلیل رگرسیونی از بهترین روش‌های تحلیلی است که تأثیرهای مشترک و مجزای متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته مورد سنجش قرار می‌دهد. بر مبنای فرضیه‌ی چندمتغیره‌ی تحقیق می‌توان با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه، به آزمون فرضیه‌ی تحقیق پرداخت. نتایج رگرسیون به شیوه همزمان نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/311$ می‌باشد که این ضریب شدت رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین برابر با $0/097$ می‌باشد. مقدار این ضریب نشان می‌دهد که تقریباً ۱۰ درصد از تغییرات میزان ارزش‌های خانواده به متغیر باورهای دینی مربوط می‌شود. مقدار آزمون دوربین واتسون نشان دهنده استقلال داده‌ها از یکدیگر بوده و برای انجام رگرسیون چندمتغیره مناسب هستند.

جدول شماره (۵): خلاصه مدل رگرسیون میزان ارزش‌های خانواده

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	خطای معیار برآورد	آزمون دوربین واتسون	آزمون F	سطح معناداری
۰/۳۱۱	۰/۰۹۷	۵/۱۷	۱/۶۸	۱۰/۵۵	۰/۰۰۰

آزمون آنالیز واریانس نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته معنادار بوده و متغیر مستقل باورهای دینی و مؤلفه‌های آن از قابلیت پیش‌بینی برخوردار است. یعنی با احتمال بیش از ۹۹ درصد این متغیر در پیش‌بینی متغیر وابسته میزان ارزش‌های خانواده سهیم هستند. مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که بعد اعتقادی در سطح بیش از ۹۹ درصد و بعد پیامدی در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار است. به ازای هر واحد تغییر در میزان بعد اعتقادی، حدود $0/165$ واحد در میزان ارزش‌های خانواده تغییر به‌وجود می‌آید. این میزان تغییر در متغیر وابسته ارزش‌های خانواده با احتساب بعد پیامدی برابر با $0/159$ واحد است. بنابراین بعد اعتقادی باورهای دینی بیشترین اثر و بعد مناسکی کمترین اثر را بر ارزش‌های خانواده دارند.

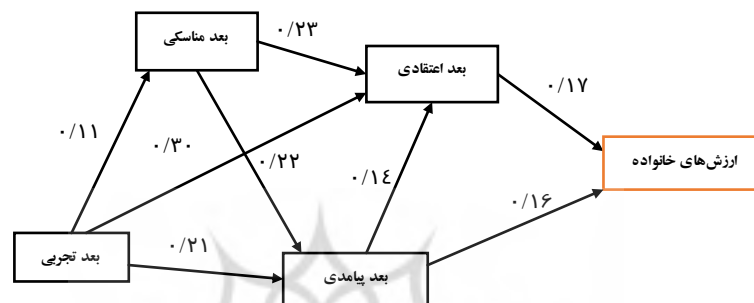
جدول شماره (۶): ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با میزان ارزش‌های خانواده

متغیرها	ضریب رگرسیون	مقدار بتا	آزمون t	سطح معناداری	تولرانس	ناخص VIF
مقدار ثابت	۲۹/۱۵۴	—	۱۴/۴۱۴	۰/۰۰۰		
بعد اعتقادی	۰/۲۴۹	۰/۱۶۵	۳/۲۴۶	۰/۰۰۱	۰/۸۸۹	۱/۱۲۴
بعد مناسکی	۰/۱۱۱	۰/۰۵۳	۰/۸۲۰	۰/۴۱۳	۰/۵۳۹	۱/۸۵۶
بعد تجربی	۰/۱۸۴	۰/۰۵۴	۱/۰۳۶	۰/۳۰۱	۰/۸۳۹	۱/۱۹۲
بعد پیامدی	۰/۴۶۷	۰/۱۵۹	۲/۴۷۲	۰/۰۱۴	۰/۵۵۰	۱/۸۱۷

بر اساس نتایج تحلیل مسیر، بالاترین تأثیر مستقیم را به ترتیب بعد اعتقادی و پیامدی بر میزان ارزش‌های خانواده دارند.

جدول شماره (۷): تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم ابعاد دینداری بر میزان ارزش‌های خانواده

ابعاد دینداری	مستقیم	غیرمستقیم	کل
اعتقادی	۰/۱۷	-	۰/۱۷
مناسکی	-	۰/۰۸	۰/۰۸
تجربی	-	۰/۱۲	۰/۱۲
پیامدی	۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۱۸



شکل شماره (۲): مدل تحلیل مسیر ارزش‌های خانواده

بحث و نتیجه‌گیری

طی سال‌های گذشته به موازات تغییرات اقتصادی و سیاسی که در جامعه ما روی داده، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. این هنجارها که به آرامی جای خود را در میان باورها و اعتقادات مردم باز می‌کنند، ممکن است با باورهای گذشته همخوانی چندانی نداشته باشند و حتی در تعارض با آن‌ها قرار گیرند. تغییرات به‌وجود آمده در زمینه ارزش‌های مادی و غیرمادی یا ارزش‌های سنتی و مدرن جوانان، از جمله مواردی است که بسیاری از خانواده‌ها را با مسائل متعددی روبه‌رو کرده است. یکی از عوامل اثرگذار بر تغییر ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان، باورهای دینی است.

در این مقاله همان‌طور که مشاهده شده باورهای دینی و ابعاد چهارگانه بر ارزش‌های خانواده چه در بعد مادی و چه در بعد غیرمادی اثرگذار هستند. در بین ابعاد چهارگانه باورهای دینی هم می‌توان شاهد رابطه و همبستگی مثبت با ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران بود. بنابراین نتایج به‌دست آمده با یافته‌های لایی و تورنتون (۲۰۱۵)، حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۵)، امینی (۱۳۹۵)، قنبریان برزبان و درویشی (۱۳۹۵)، جاگوزینسکی (۱۹۹۶) و ورزی کناری و همکاران (۱۳۹۸) هماهنگ و همسو می‌باشد. از نظر اینگلهارت و ولزل در هر جامعه‌ای با افزایش سطح

تحصیلات، جهان‌بینی‌های دینی سنتی به‌طور اجتناب‌ناپذیری در مقابل جهان‌بینی‌های عقلانی سکولار تضعیف شده و رو به افول می‌گذارند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۶۷). با توجه به ماهیت متفاوت اجتماعات انسانی نمی‌توان انتظار داشت که تغییرات در همه جوامع به طرز یکسانی ظاهر شده باشد. بی‌تردید، در اجتماعات چندقومی و چندفرهنگی، مانند ایران، تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل تغییر به‌طور ناهم‌زمان و در طول زمان خواهد بود. بنابراین، انتظار نمی‌رود که افراد در بسترهای مختلف قومی فرهنگی به میزان یکسانی تحت تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل اقتصادی - اجتماعی تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده قرار بگیرند.

اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسان‌های این جوامع رخ داده، به‌گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. او طی مطالعات گسترده خود نشان می‌دهد که دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید حاکی از تحول فرهنگی است که نسبت به نسل قدیم رخ داده به اعتقاد اینگلهارت دگرگونی فرهنگی زمانی روی می‌دهد که دگرگونی‌هایی در محیط اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی و یا اجتماعی روی دهد. البته این دگرگونی‌ها به آرامی و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۲). و در این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتر در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد. بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده، پیشنهاد می‌شود تا با توجه به تأثیر میزان دینداری بر میزان ارزش‌های خانوادگی در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه سعی شود تقویت مؤلفه‌های دینداری توسط هم والدین و هم توسط کادر آموزشی در دستور کار قرار گیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
- اسلوین، جیمز. (۱۳۸۰). اینترنت و جامعه، ترجمه‌ی عباس گلیگوری، تهران: کتابدار.
- امینی، بهروز. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، دانشکده علوم انسانی.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد؛ پل آر، آبرامسون. (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه‌ی شهناز سمیع‌خانی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.

- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- آزاد ارمکی، تقی؛ ظهیری‌نیا، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده، خانواده پژوهی، دوره ۶، شماره ۲۳، صفحه ۲۷۹ تا ۲۹۷.
- آزاد مرزآبادی، اسفندیار. (۱۳۸۷). بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان، مجله علوم رفتاری، شماره ۲، صفحه ۱۱۷-۱۲۶.
- پوریانی، محمدحسین. (۱۳۸۷). فراتحلیل مطالعات حوزه دین و ارزش‌های اجتماعی در ایران، تغییرات اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۸، صفحه ۲۱-۵۰.
- پهلوان، منوچهر. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها در بین جوانان بابل، فصلنامه جامعه‌شناسی جوانان، سال اول، پیش شماره ۲، صفحه ۲۹ تا ۴۶.
- تقوی، مهدی؛ اصلانی، شهناز. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین مصرف رسانه، دینداری و ارزش‌های خانواده، مطالعه موردی شهر سمنان، مجله پژوهش‌های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۲، صفحه ۱۸۱-۲۰۵.
- جمشیدبها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ لولآور، منصوره. (۱۳۹۱). نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۲، صفحه ۱۹۸-۱۸۳.
- حاجی‌زاده، مسعود؛ زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ تقوی، حمید. (۱۳۸۹). همگامی مشترک در خانواده و دینداری جوانان شهر یزد، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، شماره ۳، صفحه ۲۳-۴۶.
- حقیقتیان، منصور؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ دارابی، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده در بین جوانان نهبوند، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان.
- رحمانی، غلامعباس؛ وحید، فریدون؛ اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۴). بررسی تغییرات فرهنگی ناشی از استفاده از رسانه ماهواره در حوزه ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه خانواده‌های شهرستان فراشبند فارس)، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۱۳، صص ۱ تا ۳۲.
- روستایی، لیلا. (۱۳۸۵). بررسی ارزش‌های خانوادگی و تغییرات آن در ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- روکیج، میلتن. (۱۳۸۵). ماهیت ارزش‌های انسانی و نظام‌های ارزشی، ترجمه‌ی فیروز امیری، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره نهم، صص ۲۰-۲۷.

باورهای دینی و تغییر ارزش‌های خانواده دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران

- زاهدی، محمدجواد و همکاران. (۱۳۹۲). نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱، صص ۶۸-۹۷.
- زاهدی، محمدجواد؛ عمر، خضرنژاد. (۱۳۹۲). نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه‌ی خانواده (بررسی نمونه‌ای دگرگونی ارزش‌های خانوادگی در شهر بوکان)، جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۴، شماره‌ی ۱، صص ۶۸-۹۷.
- زاهدی، محمدجواد؛ نازک‌تبار، حسین. (۱۳۹۳). نوسازی و دگرگونی‌های بحران‌ساز در خانواده (بررسی مسائل نوین خانواده در نقاط شهری استان مازندران)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره سوم، پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳، پیاپی ۱۱.
- زین‌آبادی، مرتضی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، بهار ۱۳۸۴، شماره ۱، صص ۳۴-۶۶.
- قنبریان برزیان، علی؛ درویشی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مصرف فضای مجازی بر دینداری و ارزش‌های خانواده، مطالعه موردی اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۲۱۹-۲۵۴.
- قیطاسی، روح‌الله؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ رحمانی فیروزجاه، علی. (۱۴۰۰). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در میزان ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر ایلام، دوره ۲۲، شماره ۷۰ و ۷۱، صص ۲۸-۵۶.
- کفاشی، مجید. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۷۸-۵۶.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوهی، کمال؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ عباس‌زاده، محمد؛ جمالی، یاور. (۱۳۹۲). جوانان و فیسبوک: مقایسه ارزش‌های اخلاقی کاربران و غیرکاربران فیسبوک در محیط واقعی و مجازی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینای همدان)، پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، ۲(۳)، ۷-۷.
- محمدپور، احمد؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف. (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده، مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۹۳-۷۱.

- مدیری، فاطمه؛ مهدوی، محمدصادق. (۱۳۹۶). بررسی نسلی تأثیر دینداری بر ارزش‌های خانوادگی سنتی و مدرن در شهر تهران، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۶، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- مهدوی، سید محمدصادق؛ رحمانی خلیلی، حسن. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر دین‌داری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۹-۵.
- ورزی‌کناری، امین؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ پهلوان، منوچهر. (۱۳۹۸). نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۶۵-۷۸.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۹). بررسی نقش تلویزیون در روابط نسلی با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی، مرکز تحقیقات صدا و سیما.

- Barkhuus, L; & Tashiro, J. (2010). Student socialization in the age of facebook. In Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems, 2010, April, (pp. 133-142). ACM.

- Jagodzinski, W. (1996). The Transformation of the Religious Cleavage in WestEuropean Party Shstems", Paper presented at the 13th Nordic Conference inSociology of Religion Religion and Politics, Lund ,August 15-18.

- Qing Lai, Arland Thornton. (2015). The making of family values: Developmental idealism in Gansu, China, Social Science Research, Volume 51, May 2015, Pages 174-188.

- Himawan, Karel Karsten, Matthew Bambling, Sisira Edirippulige. (2017). Modernization and singlehood in Indonesia: Psychological and social impacts, Kasetsart Journal of Social Sciences, in press, corrected proof, Available online 23 October 2017.

- Rosina, Alessandro; fraboni, Romina. (2004). "Is marriage losing its Centrality in Italy?" Demographic Research, volume 11, Article 6, Pages 149-172, 14 September, http://www.demographic_research.org/volumes/vol11/6/.

- Valcke, M; Bonte, S; De Wever, B; & Rots, I. (2010). Internet parenting styles and the impact on Internet use of primary school children. Computers & Education, 55(2), 454-464.